

واکاوی تاریخی فهم از آثار ترجمه شده ماکس وبر

به زبان فارسی*

علی یعقوبی چوبری^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵، تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰)

چکیده

ماکس وبر متفکری چندرشته‌ای است. هدف این مقاله بررسی تاریخی فهم از آثار ماکس وبر در ایران است. مسأله اصلی تحقیق این است که ماکس وبر چگونه در دوره‌های مختلف تاریخی در ایران روایت شده است؟ برمبنای یافته‌های تحقیق فهم ماکس وبر در ایران در دوره‌های مختلف یکدست نیست. در دوره نخست و در ابتدای تأسیس جامعه‌شناسی در ایران که همزمان با غلبه گفتمان کنتی-دورکیمی است، ماکس وبر جایگاه قابل توجهی در فضای دانشگاهی و حتی غیرآکادمیک نداشته است. در دوره دوم علاوه بر روایت و گفتمان پوزیتیویستی (دورکیمی) گفتمان مارکسیستی در ایران توسعه یافت و به تدریج از برخی مفاهیم وبری و اندیشه‌های او برای تبیین وقایع تاریخی استفاده شد. در دوره سوم تحولات زیادی در عرصه داخلی و بین‌المللی رخ داد. استعاره‌ها و مفاهیم مارکسیستی کاهش و درمقابل مفاهیم وبری رونق بیشتری یافت. **کلیدواژه‌ها**: پروتستان‌تیسیم اسلامی، سنخ آرمانی، کاریزماتیک، ماکس وبر.

Doi: 10.22034/JSI.2025.2030075.1719

* مقاله علمی پژوهشی؛

A.yaghoobi@guilan.ac.ir

۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران؛

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، ص ۶۵-۸۸

مقدمه

ماکس وبر^۱ (۱۸۶۴-۱۹۲۰) جامعه‌شناس آلمانی، متفکری چندوجهی و چندرشته‌ای است که آثار وی مورد توجه رشته‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، تاریخ، علوم سیاسی، اقتصاد، فلسفه، الهیات، و مدیریت قرار گرفته است. دهه اول و دوم زندگی وبر با بیماری‌های جسمی و روحی همراه بود. در نوجوانی بسیاری از آثار کلاسیک لاتین و یونان از جمله هومر^۲، ویرژیل^۳، سیسرون^۴ و لوی^۵ را مطالعه کرد(دیلینی^۶، ۱۳۸۷: ۱۹۳). وی تحت‌تأثیر فلسفه ایده‌الیسم کانتی و نوکانتی به‌ویژه نظرات متفکرانی همچون دیلتای^۷، ریکرت^۸ و ویندل‌باند^۹ بود. وبر در سال ۱۹۰۴ در سفری علمی به آمریکا هم از جامعه آمریکا تأثیر پذیرفت و هم تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر اندیشه‌های اجتماعی در آن جامعه گذاشت.

شناخت دیدگاه وبر مستلزم فهم رویکردهای رقیب است که در تقابل و پاسخ به گفتمان پوزیتیویستی و مارکسیستی قرار داشته است. اثبات‌گرایان معتقد بودند که میان علوم انسانی و علوم طبیعی از هر جهت این‌همانی وجود دارد حال آنکه وبر جامعه‌شناسی را کوشش برای فهم تفسیری کنش اجتماعی به‌منظور رسیدن به تبیینی علی از پدیده‌ها می‌دانست (وبر، ۱۳۸۲: ۲۱۹). وبر جامعه‌شناس تلفیقی است و دیدگاه مارکس را تکمیل کرد. او به خلاف مارکس صرفاً بر متغیرهای اقتصادی در تبیین پدیده‌های اجتماعی تأکید نمی‌کند بلکه قدرت و منزلت و به تعبیری سبک زندگی را در قشربندی اجتماعی مؤثر می‌داند. همچنین به خلاف دیدگاه پوزیتیویستی رفتار انسانی را صرفاً محصول عوامل و متغیرهای تجربی ندانسته بلکه برای فهم پدیده‌های اجتماعی بر ترکیب شناخت تفهیمی-تبیینی تأکید دارد. وبر در خصوص مدرنیته نیز دیدگاه مشابهی دارد. او همانند اغلب متفکران مدرن از تعارض‌ها و تناقض‌های مدرنیته پرده برداشت و بر این نکته تأکید گذاشت که عقلانیت ابزاری برای انسان مدرن رفاه به ارمغان آورده،

1 Max Weber

2 Homer

3 Virgil

4 Cicerone

5 Levi

6 Delaney

7 Dilthey

8 Rickert

9 Windelband

اما این پدیده موجب افسون‌زدایی^۱ شده و جامعه را تبدیل به «قفس آهنین»^۲ کرده است. وبر به خلاف مارکس دین را افیون توده‌ها تلقی نمی‌کند بلکه سرمایه‌داری در غرب را محصول خوانش جدیدی از دین و عامل پروتستانتیسم می‌داند (وبر، ۱۳۸۵: ۱۳).

نگاه چندوجهی و چندبعدی ماکس وبر مورد توجه و التفات گفتمانی در ایران قرار گرفت و در دوره‌های مختلف تاریخی بر ساخت‌های متعددی از دیدگاه‌های وی در ایران شده است. گروه‌های مختلف اعم از گرایش‌های مارکسیستی و روشنفکری دینی پیش از انقلاب و نیروهای لیبرالی و اصلاح طلبی دهه ۷۰ و ۸۰ آراء وبر را به نفع خود تفسیر و مصادره نمودند (مهدوی زادگان، ۱۳۷۷: ۱۹). به سخن دیگر، پارادایم‌های مختلف فکری در ایران هر کدام در صدد وارد کردن عناصری از مفاهیم ماکس وبر در بنیان‌های فکری خود بوده‌اند. هدف این تحقیق واکاوی ترجمه آثار و فهم ماکس وبر در ایران است. استفاده از مفاهیم، رویکردهای نظری و روشی ماکس وبر میل گفتمانی است که به شکل منظومه‌وار با دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی ایران گره خورده و با گسست تاریخی هر دوره قرین است. باتوجه به پیچیدگی و چندوجهی بودن تفکر ماکس وبر و شرایط و موقعیت‌های مختلف در دوره‌های مدرن بر ساخت‌ها و روایت‌های متعددی از وی در ایران شده است. بدین ترتیب، پرسش‌های این تحقیق عبارتند از: خاستگاه تاریخی اندیشه ماکس وبر در ایران چگونه است؟ ماکس وبر در ایران در دوره‌های تاریخی مختلف توسط گروه‌های فکری متفاوت چگونه بر ساخت شده است؟ مفاهیم و آثار ماکس وبر چگونه ترجمه و تأویل شده‌اند؟

پیشینه تحقیق

تاکنون مقاله‌های متعددی در خصوص ماکس وبر در ایران نگاشته شده است که می‌توان مهم ترین آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: برخی از این پژوهش‌ها در جهت تطبیق اندیشه ماکس وبر بر پژوهشگران ایرانی پرداخته و برخی نیز با نگاه انتقادی و بازاندیشانه همراه بوده است.

الف) تحقیقات با چشم‌انداز مثبت و انطباقی: کرمی‌پور (۱۳۹۰) به تأثیر ترجمه نظریه‌های ماکس وبر بر دیدگاه مورخان ایرانی اشاره کرده و براین باور است که مورخان نیز هم از جنبه روش‌شناختی و هم تبیین رویدادهای تاریخی، از اندیشه‌های وی تأثیر پذیرفته‌اند. محمودی مولایی

1 Disenchantment

2 Iron cage

کرمانی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای دریافته‌اند که استفاده از رویکردهای بینارشته‌ای، تلفیقی و اهمیت‌دادن به عنصر دین موجب بکارگیری بیشتر روش‌شناسی وبر در فهم مسایل اجتماعی- فرهنگی ایران شده است. نتایج میرزایی (۱۳۹۸) برمبنای تیپ ایده‌آل وبر نشان می‌دهد که چهار سنخ آرمانی در بین سوگواران تحت عنوان سنت‌گرایان، شکل‌گرایان، قومیت‌گرایان و نوگرایان می‌توان تشخیص داد. حسین‌زاده (۱۳۹۸) طی مطالعه «خوانش ایرانی ماکس وبر» معتقد است پروتستان‌تیسیم دینی و خوانش اعتراضی از مذهب در ایران اغلب تحت تاثیر مطالعات وبری بوده است. با آنکه وبر خاستگاه عقلانیت را تنها در پروتستان‌تیسیم و غرب می‌داند، اما ایرانیان از آموزه پروتستان‌تیسیم مذهبی برای حرکت به سوی عقلانیت و رفع عقب‌ماندگی استفاده می‌کنند. عظیمی (۱۳۹۸) نیز در تحقیقی جداگانه ضمن نقد تحقیقات پسااستعماری در ایران از امر ژنریک و سنت تطبیقی جامعه‌شناسی تاریخی وبر در ایران دفاع می‌کند.

ب) تحقیقات با چشم‌انداز انتقادی و بازاندیشانه: حسینی‌فر (۱۳۹۸) در مقاله خود تأکید می‌کند که نظام بوروکراتیک ایران وبری نیست چون با عناصری از کاغذبازی، پارتی‌بازی، قانون-گریزی، به دنبال تبصره‌ها بودن و ائتلاف وقت‌بودن ارباب رجوع با بوروکراسی واقعی سنخیت ندارد. فراستخواه (۱۳۹۸) براین باور است که کتاب «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» وبر خیلی دیر وارد ایران شد و محققان ایرانی بدون درک شرایط عینی و واقعیت‌های ایران به مصرف دم دستی آن پرداختند. در قضیه پروتستان‌تیسیم، نوعی «زمینه زدایی» از نظریه وبر نیز صورت گرفته است و قیاس مع‌الفارق میان اروپا و ایران شده است. میری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای براین باور است که شریعتی، وبری را برساخت کرده بود که بتواند تحول فکری مذهبی در قشر مذهبی جامعه ایران ایجاد کند. ارشاد (۱۳۹۸) تأکید می‌کند که در ایران رهنمودگرفتن و استفاده عملی از آموزه‌های وبر لازم است محتاطانه و خوانشی توأم با بازاندیشی و نقادانه باشد. فولادیان (۱۳۹۸) در مطالعه خود درباره صورتبندی جامعه‌شناختی تئوری کاریزمای وبر معتقد است که متون وبری روایتی مبهم و دوگانه‌ای در فهم کاریزما ایجاد کرده است که شامل رویکرد «رهبرمحور» و رویکرد «پیرومحور» می‌شود. ویژگی‌ها و جاذبه‌های فردی رهبری فقید و کاریزماتیک ایران موجب شد که بسیاری از پژوهشگران ایرانی از قبیل کچوییان (۱۳۸۸) به دنبال رویکرد «رهبرمحور» برونند (کچوییان، ۱۳۸۸ به نقل از فولادیان، ۱۳۹۸: ۶۸). شجاعی‌زند و صنعتی شرق (۱۳۸۳) به بررسی انتقادی آراء و نظرات وبر درباره صدر اسلام پرداخته و جای آنچه را که خود نگاه بی‌طرفی اخلاقی در کار علمی می‌نامند در آن خالی می‌بینند. صادقی (۱۳۹۷) در

تحقیقی معتقد است که محققان ایرانی با نگاه ایدئولوژیک و ارزشی به انطباق تئوری وبر بر انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. هرچند این پژوهش‌ها غالباً به شکل توصیفی، ماکس وبر را سوژه مطالعه خود قرار داده‌اند؛ اما بررسی تاریخی مفاهیم، ترجمه‌ها و آثار وبر را در ساخت تاریخی ایران مورد غفلت قرار داده‌اند.

یافته‌های تحقیق

بر مبنای داده‌های تحقیق بر ساخت تاریخی وبر در ایران را می‌توان در سه مرحله، از سال ۱۳۰۰ تا کنون، فهم کرد.

۱- از سال ۱۳۰۰ تا تأسیس مؤسسه تحقیقات اجتماعی در اواسط دهه ۱۳۳۰

برای فهم خوانش وبر در ایران می‌توان از تقسیم‌بندی سیر تاریخی جامعه‌شناسی در ایران سود جست. با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ و تدریس درس جامعه‌شناسی یا علم‌الاجتماع توسط غلامحسین صدیقی در سال ۱۳۱۹ که تعلقات و گفتمان کنتی-دورکیمی داشت، اندیشه‌های ماکس وبر اهمیت چندانی در جامعه علمی ایران نداشته است. این دوره همزمان با ترجمه کتاب «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» ماکس وبر (۱۹۰۶) به انگلیسی توسط تالکوت پارسونز^۱ بود. علاوه بر این، اتفاق مهمی در سال ۱۳۲۲ با انتشار کتاب «جامعه‌شناسی یا علم‌الاجتماع» یحیی مهدوی رخ داد. این کتاب صبغه و گفتمان پوزیتیویستی دارد. نویسنده در این کتاب از برخی جامعه‌شناسان از قبیل آگوست کنت، هربرت اسپنسر، امیل دورکیم و... که در تأسیس جامعه‌شناسی نقش داشته‌اند نام برده است؛ نکته جالب توجه اینکه از شخصیتی به نام ویلهلم وونت در آلمان یاد کرده، ولی نامی از ماکس وبر در کتاب مزبور مشاهده نمی‌شود:

«درست است آگوست کنت^۲ اولین کسی است که استقلال جامعه‌شناسی را اعلام نمود و آنرا در طبقه‌بندی علوم جای داد و امور اجتماعی را مانند وقایع طبیعی در خور تحقیقات علمی دانست و دانشمندانی مانند هربرت اسپنسر^۳ در انگلستان، ویلهلم وونت^۴ در آلمان، مک دوگال^۵

1 Talcott Parsons

2 Auguste Comte

3 Herbert Spencer

4 Wilhelm Wundt

5 Mc Dougall

در آمریکا، گابریل تارد^۱ در فرانسه تبعیعاتی راجع به مسایل جامعه‌شناسی و روحیات اقوام نموده‌اند...» (مهدوی، ۱۳۲۲: ۶-۷).

در این دوره، حتی نامی از ماکس وبر در کتاب «سیر حکمت در اروپا» محمدعلی فروغی هم برده نشده است. حال آنکه نویسنده به شرح دیدگاه‌های آگوست کنت، اسپنسر، نیچه و برگسون پرداخته است. هرچند که ممکن است یادی از ماکس وبر در کلاس‌های درس مدرس آلمانی به نام ویلهلم هاس^۲ در سال ۱۳۱۳ در دروس «علم الاجتماع» (جامعه‌شناسی) و «نژادشناسی» دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی دانشگاه تهران شده باشد یا بعدها در درس علم الاجتماع یحیی مهدوی و غلامحسین صدیقی سخنی به میان آمده باشد.

۲- از تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۳۶ تا اواخر دهه ۱۳۶۰

در این دوره اتفاقات مهمی رخ داد. در سال ۱۳۳۶ رشته علوم اجتماعی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تأسیس شد و دانشجویان توانستند تا مقطع لیسانس در این رشته تحصیل کنند. در کنار این، اتفاق بزرگی سال ۱۳۳۷ در حوزه علوم اجتماعی رخ داد و آن ایجاد «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» در دانشگاه تهران به مدیریت احسان نراقی بود. از اقدامات مهم مؤسسه ایجاد رشته کارشناسی ارشد علوم اجتماعی بود که مدرسان آن غلامحسین صدیقی، احسان نراقی، علی محمد کاردان، یحیی مهدوی، شاهپور راسخ، جمشید بهنام، ایرج افشار و... بودند (اسماعیل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷). با تأسیس این مرکز و گسترش تحقیقات اجتماعی، به لحاظ تکنیکی سنت پوزیتیویستی و تأکید بر آمار تداوم یافت. در سال ۱۳۴۳ یکی از اساتید مؤسسه تحقیقات اجتماعی (علی محمد کاردان) کتاب "قواعد روش جامعه‌شناسی" را ترجمه کرد. این کتاب نماد رویکرد کمی و تجربی در جامعه‌شناسی ایران بود.

علاوه بر روایت و گفتمان پوزیتیویستی (دورکیمی) که بسیاری از استادان مؤسسه تحقیقات و سایر پژوهشگران دانشگاهی و غیردانشگاهی دنبال می‌کردند؛ به تدریج آثار مارکس در ایران ترجمه شد و گرایشات و گفتمان چپ مارکسیستی نیز در فضای دانشگاهی حاکم شد و بسیاری اساتید دانشگاهی بر مبنای مدل مارکسیستی و جامعه‌شناسی تاریخی تفکر می‌کردند. اغلب آنان اندیشه‌های ماکس وبر را در ادامه سنت مارکسی تأویل می‌کردند. مثلاً احمد اشرف در مقاله‌ای

1 Gabriel Tarde

2 William Hass

تحت‌عنوان «زندگی و آثار ماکس وبر» که در مجله سخن در سال ۱۳۴۶ به رشته تحریر درآمده است براین باور است که ماکس وبر تحت‌تأثیر کارل مارکس بوده و از مارکس تجلیل کرده و دانش خود را در سنت مارکس علم اقتصادی-اجتماعی می‌داند: «دانش ماکس وبر تکمله‌ای بر دانش اقتصادی-اجتماعی مارکس است و نه متضاد نظری آن» (اشرف، ۱۳۹۳: ۳۰۸). وی طی سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ پنج شماره در مجله سخن به سردبیری محمود کیانوش به وبر اختصاص داده است و اطلاعات خوبی از برساخت ماکس وبر در سایه سنگین گفتمان کارل مارکس به خواننده می‌دهد. این مجموعه مقالات بعدها در سال ۱۳۹۳ در کتابی با عنوان «نقد و نظری در علوم انسانی و اجتماعی» توسط نشر گستر به چاپ رسید. برخی نویسندگان چپ نیز در برابر ماکس وبر سکوت گفتمانی کردند. برای مثال کتاب «زمینه‌های جامعه‌شناسی» «آگ برن و نیم‌کوف»^۱ (۱۳۴۴، ۱۳۵۷) که ترجمه و اقتباس از امیرحسین آریان‌پور است نویسندگان صرفاً ۴ بار از ماکس وبر نام برده‌اند. ادیبی و انصاری (۱۳۸۳) نیز تنها یک بار در کتاب «نظریه‌های جامعه‌شناسی» از وبر نام برده‌اند.

علاوه براین، تفکر مارکسیستی دارای گزاره‌ها و احکام خاص خود بود که در آن امر اقتصادی زیربنا و امور دین، هنر، اخلاق، حقوق و... روبنا تلقی می‌شد. گزاره معروف مارکس «دین افیون توده‌هاست» مورد نقادی روشنفکران دینی آن زمان از جمله مرتضی مطهری و علی شریعتی قرار گرفت. هرچند آنان از مدل مارکسیستی استفاده می‌کردند ولی از این مدل به مثابه ابزار در جهت نقد آن نیز بهره می‌گرفتند. بنابراین، روشنفکران دینی در تقابل با گفتمان مارکسیستی که بر فهم مادی از تاریخ تأکید می‌کردند، بر شخصیت علمی دیگری از غرب، یعنی ماکس وبر انگشت گذاشتند. در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی بسیاری از افکار وبر وارد ایران شد هرچند هنوز در دوره مزبور هیچ اثری از وبر در ایران ترجمه نشده بود. البته در برخی کتاب‌های جامعه‌شناسی به‌صورت فرعی و جسته‌وگریخته و در ذیل موضوعات دیگر، مطالب و صفحه‌هایی به ماکس وبر اختصاص یافته بود؛ مثلاً فرهنگ هلاکویی در کتابش با عنوان «جامعه امروز» (۱۳۳۶) سه صفحه به دیدگاه سازمانی ماکس وبر اختصاص داد. همچنین در سال ۱۳۴۴، احسان نراقی در اثرش «علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن» فصلی را به ماکس وبر اختصاص داده است. مشفق همدانی در سال ۱۳۴۴ در ترجمه کتاب جامعه‌شناسی ساموئل کینگ دو صفحه در حوزه ماکس وبر سخن رانده است و بیشتر مطالب آن درخصوص کتاب «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری»

1 William F. Ogburn and Meyer F. Nimkoff

است که مترجم ترجمه پارسونزی و انگلیسی کتاب را «اصول اخلاقی پروتستان و روح سرمایه‌داری» برگردان کرده است. برخی نویسندگان کتب تألیفی مثلاً حشمت‌الله طیبی (۱۳۵۲) در کتاب «مبادی و اصول جامعه‌شناسی» و محمدمهدی صالحی (۱۳۵۲) در کتاب «جامعه‌شناسی معاصر» نیز به شکل بسیار مختصر و هرکدام درحد یک پاراگراف از ماکس وبر نام برده‌اند.

به تدریج افکار ماکس وبر مورد توجه و میل گفتمانی روشنفکران و ایدئولوژی دینی آن زمان و دوره‌های بعد قرار گرفت و نوعی خوانش دینی از وبر در ایران گسترش یافت. در بین آثار وی کتاب «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» (وبر، ۱۹۰۶) از اهمیت بسزایی برخوردار است. انتشار این کتاب مقارن با انقلاب مشروطه در ایران بود که در آن پیشرفت سرمایه‌داری را مدیون روایت جدیدی از دین کاتولیک، یعنی آیین پروتستانی تلقی کرده است. در این تفسیر هرمنوتیکی دین نه تنها افیون توده‌ها نیست بلکه تمدن غرب محصول و نتیجه آن است. در ایران نیز برخی متفکران دینی چنین روایتی را پذیرفتند. مثلاً در خوانش شریعتی ماکس وبر به مثابه نظریه‌پردازی برساخت شده که بر اندیشه، طرز تفکر و اراده سوژه تأکید دارد که نظام‌های اقتصادی و اجتماعی را می‌سازد (میری، ۱۳۹۸: ۱۲۳). شریعتی در تعدیل نگاه مارکس و ماکس وبر ایده «مارکس-وبر» را طرح نمود که در آن به طور توأمان مؤلفه‌های اقتصادی و فرهنگی در یکدیگر تأثیر متقابل دارند (همان). با توجه به اینکه بسیاری از محققان و روشنفکران یکی از موانع توسعه در ایران را عامل دینی محسوب می‌کردند، شریعتی راه حل برون‌رفت از این مساله را به تقلید از ماکس وبر پروتستان‌تیسیم دینی تلقی می‌کرد (شریعتی، ۱۳۸۸ مجموعه آثار ۱۴: ۲۹). بنابراین مفهوم «پروتستان‌تیسیم اسلامی» واژه کلیدی شریعتی و گفتمان وی جهت پیشرفت و توسعه ایران شد. او همانند ماکس وبر سرمایه‌داری را محصول پروتستان‌تیسیم می‌دانست. آنچه قرون وسطی را خراب کرد و قرون جدید را به وجود آورد، مذهب نو بود تحول فکری مذهبی بود، نه مبارزه ضد مذهبی. نقش پروتستان‌تیسیم در ایجاد قرون جدید و تمدن جدید را ماکس وبر بهتر از هر کسی تحلیل کرده است («شریعتی، ۱۳۸۸: ۴۸).

شریعتی با هرمنوتیک دین و با نقاب ماکس وبر ضرورت اصلاح دین در اسلام را خواستار شد تا از کجی‌ها و تحریف‌ها پالایش شود و خواهان «بازگشت به تشیع علوی» بود. او تأکید داشت که پروژه اصلاح مذهبی را اروپاییان از مسلمانان الهام گرفتند. به‌زعم وی «از زمان سید جمال، محمد عبده، کواکبی و رشیدرضا و همفکرانشان تا امروز دین نیرومندتر شده است» (شریعتی، ۱۳۹۰: ج ۶). بنابراین تقابل اندیشه مارکس و ماکس وبر و طرح مفهوم «پروتستان‌تیسیم اسلامی»

موجب آشنایی بیشتر پژوهشگران با اندیشه‌های ماکس وبر در ایران شد و محققان ایرانی، با ذهنیت شریعتی از ماکس وبر، به سراغ تحقیق و ترجمه آثار وبر رفتند که بعدها مترجم احمد صدارتی (۱۳۶۷) در نخستین ترجمه اثر ماکس وبر به فارسی در کتاب «مفاهیم اساسی جامعه-شناسی»^۱ جمله آغازین را با تقدیم کتاب به علی شریعتی چنین شروع کرده است «تقدیم به معلم شهیدی که نخستین بار در کلام او با نام و اندیشهٔ وبر آشنا شدم» (وبر، ۱۳۶۷: ۵).

بعد از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ در ایران ماکس وبر سوژهٔ مترجمان ایرانی قرار گرفت. برخی از مفاهیم ماکس وبر به شکل بازگونه، ابتدایی و ناقص وارد زیست-جهان محققان ایرانی شد و به تدریج تصحیح و تعدیل گردید. برای مثال در همین دوره به لحاظ شکلی برخی مترجمان از قبیل صانعی (۱۳۵۴) نام «ماکس وی بر» یا «مکس وبر» را به جای ماکس وبر نوشته‌اند^۲ و برخی نیز پویان (۱۳۶۳) و نیک‌گهر (۱۳۶۳) واژهٔ کاریزماتیک^۳ را کاریسماتیک برگردان کرده‌اند. همین مفهوم را آریان پور (۱۳۴۴، ۱۳۵۷) فرمند؛ اشرف (۱۳۴۶) فره ایزدی؛ نراقی (۱۳۴۷) حکومت تفضلی یا حکومت فرهی (کیان خره)؛ منصور و حسینی کلجاهی (۱۳۵۷) فره‌مند؛ پرهام (۱۳۶۳) کراماتی (کاریسماتیک)؛ صدارتی (۱۳۶۷) و ثلاثی (۱۳۷۳) فره‌مند؛ شیخاوندی (۱۳۸۳) فروندی ترجمه کرده‌اند. همچنین دو سلطه یا اقتدار دیگر وبر، یعنی سنتی^۴ و عقلانی^۵ را اشرف (۱۳۴۶) سنتی و سازمان‌های بوروکراتیک جدید؛ نراقی (۱۳۴۷) حکومت نقلی و عقلی؛ پرهام (۱۳۶۳)، صدارتی (۱۳۶۷) و ثلاثی (۱۳۷۳) سنتی و عقلانی؛ و شیخاوندی (۱۳۸۳) سنتوندی و خردوندی-قانونی برگردان کرده‌اند. درخصوص تفهیم (تفهیمی)، اشرف (۱۳۴۶) درون‌فهمی (تفقهیمی)؛ محسنی (۱۳۴۹) آن را ادراک و تفاهم؛ نراقی (۱۳۴۷) تفهیمی یا درایتی؛ نیک‌گهر (۱۳۶۳) تفهیمی؛ شیخاوندی (۱۳۸۳) فهمیدن؛ پرهام (۱۳۶۳) تفهیمی؛ ثلاثی (۱۳۷۳) فهم؛ و آشتیانی (۱۳۸۳) تفهیمی (فهمیدنی) ترجمه کرده‌اند.

1 Basic concepts in sociology

۲ برخی مترجمان نیز ماکس وبر را مکس وبر نوشته‌اند. ابوالحسن تنهایی که تا اواخر دهه هشتاد در آثارش ماکس وبر می‌نوشت در کتاب جامعه‌شناسی معرفت و معرفت‌شناسی نظریه (۱۳۹۱) و مجموعه سخنرانی‌های خود از «مکس وبر» استفاده کرده است.

3 Charismatic

4 Traditional

5 Rationality

6 Verstehen

در این دوره یکی از مفاهیم کلیدی ماکس وبر یعنی «سنخ آرمانی» که معادل آیدیال تایپ (Ideal type) است در نوشته‌های به زبان فارسی متداول شد. این مفهوم استعاری مورد مناقشه پژوهشگران علوم اجتماعی در ایران قرار گرفته است. برای مثال سنخ آرمانی را اشرف (۱۳۴۶) نمونه‌های متعالی؛ نراقی (۱۳۴۷) طباع عقلی یا صورت نوعی عقلی؛ نیک‌گهر (۱۳۴۹) نوع مثالی (صور نوعی)؛ منصور و حسینی کلجاهی (۱۳۵۷) نوع آرمانی؛ نیک‌گهر (۱۳۶۳) نمونه آرمانی؛ پویان (۱۳۶۳) سنخ خالص؛ صدارتی (۱۳۶۷) نوع مثالی؛ پرهام (۱۳۶۳) نوع عالی؛ ثلاثی (۱۳۷۳) نمونه آرمانی؛ و توسلی (۱۳۷۶) نوع عالی برگردان کرده‌اند. در اصطلاح وبر Idea معادل با «پندار»، «اندیشه» و «مُثَل» است و در نتیجه صفت آن را «پنداری»، «اندیشه‌ای»، «تمثیلی»، یا حتی «مجازی» می‌توان ترجمه کرد. به زعم وی، نمونه آرمانی است که جامعه‌شناس با ارجاع به ارزش‌ها به منظور بررسی واقعیت از برخی دیدگاه‌ها، به عمل می‌آورد (شیخاوندی، ۱۳۸۳: ۱۱۷). این الگوپنداری‌ها در دانش‌های مختلف وجود دارند. در هنر به‌ویژه تئاتر کمتر بیانگر یک واقعیت حقیقی هستند؛ بلکه اساساً محصول یک واقعیت مجازی هستند. مهندسان از نرم‌افزارهای تمثیلی استفاده می‌کنند. آن‌ها پیش از ساختن یک بنای حقیقی می‌توانند در دستگاه کامپیوتری خود انواع بناهای مجازی کامل و حتی غیرقابل تحقق را بسازند و بنای حقیقی بعدی را در قالب آن بسنجند و ابعاد متعدد و متفاوت آن را ارزیابی کنند (همان، ۱۱۸).

به عکس ابوالحسن تنهایی (۱۳۸۹) معتقد است بسیاری از شارحان و مترجمان ایرانی برای اصطلاح آیدئال تایپ از عبارت «نمونه‌های مثالی» استفاده کرده‌اند که موجب بدفهمی و سوء-تعبیر از آن شده است. «این ترجمه از سنخ آرمانی به نظر نادرست می‌آید، زیرا وبر در مفهوم-سازی واژه ideal type از قلمرو روش‌شناختی افلاطونی بهره‌ای نمی‌برد بنابراین ترجمه idea به مثال، که ویژه پارادایم فلسفی سقراطی / افلاطونی است گمراه‌کننده خواهد بود. به نظر می‌آید برابر درست‌تر برای این اصطلاح می‌تواند گونه‌ها یا سنخ‌های انتزاعی، مجرد یا آرمانی باشد» (تنهایی، ۱۳۸۹: ۶۶).

از نظر وبر سنخ‌های آرمانی برساخته تخیلی هستند که تعامل بین آن‌ها موجب امکان عینی پدیده‌ها می‌شود. بنابراین، تیپ آرمانی یک مفهوم ذهنی است که به شکل استعاری واقعیت با آن مقایسه می‌شود. «یک برساخته مفهومی است که نه واقعیت تاریخی و نه حتی واقعیت حقیقی است... بلکه صرفاً یک مفهوم حدی آرمانی است که وضعیت یا کنش مشخصی با آنها مقایسه و بررسی می‌شود» (وبر، ۱۳۸۲: ۱۴۵).

وبر معتقد است که این برساخته‌های مفهومی هرچند در واقعیت یافت نمی‌شوند ولی ابزارهای بسیار مفیدی برای جامعه‌شناسان و مورخان هستند. او به مورخان و جامعه‌شناسان هشدار می‌دهد که مبدا سنخ‌های آرمانی به جای آنکه ابزاری برای نظم‌دهی به مشاهدات قلمداد شوند، با پدیده‌های قابل مشاهده اشتباه گرفته شوند. «مفاهیم انتهای راه نیستند بلکه ابزارهایی برای نیل به هدف درک پدیده‌هایی هستند که از نقطه‌نظرهای منفرد و معینی اهمیت دارند... هرگز نباید واقعیت تاریخی و سنخ آرمانی را با یکدیگر اشتباه گرفت» (وبر، ۱۳۸۲: ۱۶۲). او به تغییر مفاهیم و سنخ‌های آرمانی آگاه بود و تاکید داشت «رابطه واقعیت و مفهوم متضمن گذرا بودن تمامی این مفهوم‌سازی‌هاست» (همان، ۱۶۲).

نکته مهم اینکه آنچه مورد توجه پژوهشگران ایرانی نبوده وجه استعاری یا تمثیلی بودن آن است. هرچند سنخ آرمانی ترجمه قابل درک تری از ایدئال تایپ است، اما این مفهوم وجه استعاری دارد. مثالی بودن سنخ آرمانی به معنای پنداری یا خیالی بودن محض نیست بلکه به‌زعم مارکس یک «انتزاع انضمامی» و به معنای تمثیلی بودن آن است. هر سنخی خصلت مدل دارد و در زبان علمی، مدل اساساً کارکرد اکتشافی دارد که در خدمت بازکردن راهی به سمت تفسیر جدید و مناسب‌تر است (ریکور، ۱۳۸۶: ۹۱). این الگوپنداری‌ها و ساخت مدل در دانش‌های مختلف وجود دارد.

همچنین در نام‌گذاری سنخ‌ها، وبر از انواع سنخ‌ها در کتاب «روش‌شناسی علوم اجتماعی» نامی نبرده ولی شارحان و مترجمان خارجی از جمله ریمون آرون و کوزر (به تقلید از آرون) و برخی از داخلی‌ها (پرهام و تنهایی) این نام‌ها را بر متن وبر بار کرده‌اند. آنان سنخ آرمانی که ویژگی تاریخی در برهه خاصی از تاریخ را بررسی می‌کند، سنخ تاریخی و سنخی که موضوع‌های با ویژگی‌های تکرارشونده را مطالعه می‌کند، سنخ جامعه‌شناختی نامیده‌اند. درباره سنخ سوم تنهایی معتقد است: «ریمون آرون و با عنوان قسم سوم از وبر بر ملا شد. هیچ ذکر و شرحی به میان نیامده است» (تنهایی، ۱۳۸۹: ۷۴). تنهایی سنخ سوم را ابتدا در کتاب «درآمدی بر مکاتب و نظریات جامعه‌شناسی» نمونه (سنخ) آرمانی رفتاری نامید (تنهایی، ۱۳۷۴: ۲۸۱). بعدها در کتاب جامعه‌شناسی نظری از آن به سنخ آرمانی دیالکتیکی یاد کرد (تنهایی، ۱۳۸۲ به نقل از تنهایی، ۱۳۹۸: ۷۱). تنهایی یکی از دلایل عمده عدم نام‌گذاری وبر از سنخ سوم را «ترس و پرهیز سیاسی از کاربرد اصطلاح آشکار دیالکتیک در آلمان استبدادی دوران ویلهلم‌ها در آثار وبر

محافظه‌کار می‌دانست» (تنهایی، ۱۳۸۹: ۷۱). پیش از وی باقر پرهام در کتاب «مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی» (۱۳۶۳) نمونه‌ مثالی نام‌گذاری کرده است. یکی از واژگان روش‌شناسی وبر «بی‌طرفی ارزشی» است که از آن در زبان آلمانی *Der Sinn der Wertfreiheit* و در زبان انگلیسی *Value neutrality* تعبیر می‌شود. بی‌طرفی اخلاقی در برابر مفهوم «قضاوت ارزشی»^۱ است که اغلب مترجمان از جمله نیک‌گهر در ترجمه کتاب ژولین فروند (۱۳۶۳) آن را قضاوت ارزشی ترجمه کرده‌اند با توجه به اینکه این مفهوم کانتی است «حکم ارزشی» مناسب‌تر و متداول‌تر است (مسعودی و زاهد زاهدانی، ۱۳۹۶: ۶۱). مفهوم دیگر وبر «ربط ارزشی»^۲ است که ارزش‌ها به مثابه پیش‌شرط تحقیق علمی به رسمیت شناخته می‌شوند. مفهوم اخیر (ربط ارزشی) را باقر پرهام در کتاب آرون (۱۳۶۳) رابطه با ارزش‌ها (ارزش‌نگر)؛ عبدالحسین نیک‌گهر در کتاب فروند (۱۳۶۳) ارجاع به ارزش‌ها؛ محسن ثلاثی در کتاب کوزر (۱۳۶۸) ارجاع به ارزش‌ها؛ و بعدها حسن چاوشیان در ترجمه کتاب «روش‌شناسی علوم اجتماعی» ماکس وبر (۱۳۸۲) ربط ارزشی برگردان کرده‌اند. ترجمه‌های مزبور همچنان در کتاب‌های علوم اجتماعی ایران متداول و مرسوم است.

نکته مهم اینکه در دهه شصت و در سال ۱۳۶۲، کتاب «جامعه‌شناسی ماکس وبر» از ژولین فروند فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی وارد بازار کتاب ایران شد. کتاب مزبور را عبدالحسین نیک‌گهر به فارسی ترجمه و انتشارات توتیا به چاپ رساند. همچنین در سال ۱۳۶۳ جلد دوم کتاب «مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی» ریمون آرون توسط باقر پرهام به فارسی ترجمه شد که نویسنده یک فصل آن را به ماکس وبر اختصاص داد. در انتهای همین دهه، محسن ثلاثی پروژه باقر پرهام را کامل کرد. ثلاثی در سال ۱۳۶۸ کتاب «زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی» کوزر را ترجمه کرد که همانند کتاب آرون یک فصل آن بطور تفصیلی به ماکس وبر اختصاص دارد. با آمدن کتاب‌های یاد شده بسیاری از واژگان ماکس وبر مورد توجه پژوهشگران ایرانی در تحلیل وقایع و رخدادهای ایران قرار گرفت. در دهه شصت و در ادامه آن دهه هفتاد پژوهشگران و مورخان ایرانی بسیاری از واژگان وبر را از متون وبری بافت‌زدایی^۳ و در

1 Werturteil یا Wertungen / value-judgment

2 Wertbeziehung / value-relation یا value-relevance

3 Detexturization

تحلیل حوادث تاریخی و اجتماعی ایران قلمروگذاری^۱ کردند. برای مثال عبدالهادی حایری در بررسی علل شکست جنبش مشروطه از استعاره ماکس وبر تحت عنوان «شرایط ظهور جامعه عقلانی» استفاده کرده است (کرمی پور، ۱۳۹۰: ۴۵). بعدها پژوهشگران و مورخان ایرانی، بسیاری از واژگان وبر را در تحلیل حوادث تاریخی و اجتماعی ایران به کار بردند. یکی از واژگان مهم وی کاریزماتیک است. با آغاز رهبری امام خمینی که از مشروعیت سنتی و اقتدار کاریزماتیک برخوردار بود، مفهوم «فرهمندی یا کاریزماتیک» مفهوم استعاری مهمی در بین پژوهشگران ایرانی شد (حجاریان، ۱۳۷۷: ۴۵۲ و بشیریه، ۱۳۸۲: ۷۰). بسیاری از محققان اجتماعی یکی از علل پیروزی انقلاب اسلامی را ناشی از رهبری کاریزماتیک وی می دانستند. همچنین مفهوم «مشروعیت» از واژگان کلیدی ماکس وبر در تحلیل دولت‌های قدیم و جدید به کار رفته است. محمدعلی کاتوزیان معتقد است «حکومت‌های ایران به خصوص دوران معاصر را مبتنی بر «فره ایزدی» می‌داند که مشروعیت خود را در نتیجه زور و اقتدار به دست آورده‌اند نه رضایت مردم» (کاتوزیان، ۱۳۷۹ به نقل از کرمی پور، ۱۳۹۱: ۴۹).

در همین دهه نخستین کتاب از آثار وبر در سال ۱۳۶۷ با عنوان «مفاهیم اساسی جامعه-شناسی» به فارسی توسط احمد صدارتی ترجمه و از سوی نشر مرکز منتشر شد. این کتاب در جهان بارها ترجمه و تجدیدچاپ شد و یکی از بخش‌های مجموعه بزرگ «اقتصاد و جامعه» (۱۹۱۹) اثر ماکس وبر است که «ه.پ. سچر» آن را به خاطر اهمیت زیاد به زبان انگلیسی ترجمه کرد و برگردان فارسی نیز از روی همان صورت گرفت. این کتاب که در اواخر حیات ماکس وبر و همزمان با قرارداد معروف بین ایران و انگلیس در سال ۱۹۱۹ نگاشته شد مورد توجه و التفات گفتمانی ایرانیان قرار گرفت و پس از گذشت ۶۰ سال از نگارش آن به فارسی ترجمه شد و شامل شرحی از زندگی وبر و برخی کنش‌های علمی، سیاسی و اجتماعی او و مهم-ترین مفاهیم تخصصی و تعریف واژگان وبری است. بنابراین، وبر خود یکی از نخستین بانیان و نویسندگان ایده مفاهیم و واژگان در جامعه‌شناسی است که اثرش به فارسی ترجمه شد. درست سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۸ کتاب «دانشمند و سیاستمدار»^۲ ماکس وبر (۱۹۱۹) توسط احمد نقیب زاده ترجمه و از سوی انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسید. این کتاب مجموعه‌ای از دو متن درباره «حرفه و رسالت دانشمند» و «حرفه و رسالت سیاستمدار» است که یک سال پس از

1 Territorialization

3 Legitimacy

2 The vocation lectures/ La Savant et le politique

اتمام جنگ جهانی اول و در «گیرودار کنفرانس‌های صلح ورسای و مقارن با شکل‌گیری اولین جمهوری در آلمان و مصادف با شورش‌های پراکنده چپ در سراسر اروپا بویژه شورش اسپارتاکیستها در شهرهای برلن و مونیخ ایراد شده است» (نقیب زاده، ۱۳۶۸). در سال ۱۳۶۹ کتاب دیگری از ماکس وبر با عنوان «شهر در گذر زمان»^۱ به وسیله شیوا کاویانی ترجمه و توسط شرکت سهامی انتشار منتشر شد. در انتهای همین دهه، محسن ثلاثی در سال ۱۳۷۴ کتاب بسیار مهم ریتزر، یعنی «نظریه‌های جامعه‌شناسی دوران معاصر» را ترجمه کرد که نویسنده در آن صفحاتی را به ماکس وبر اختصاص داده است.

۳- از اوایل دهه ۱۳۷۰ تا کنون

در این دوره بسیاری از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های ایران از قبیل غلام‌عباس توسلی، محمد عبداللهی، ابوالحسن تنهایی، عبدالعلی لهسایی‌زاده، محمد حریری، محمد توکل، تقی آزادارمکی، یوسف اباذری و... به تدریس درس نظریه‌های جامعه‌شناسی پرداختند و این امر موجب آشنایی بیشتر دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی با ماکس وبر شد. همچنین در دهه هفتاد پژوهشگران و مورخان ایرانی، بسیاری از واژگان وبر را در تحلیل حوادث تاریخی و اجتماعی ایران به کار بردند. دهه هفتاد شاهد گسست و چرخشی گفتمانی هستیم که نویددهنده آغاز و انتهای یک دوره است. در این دوره جدید حوادث مهمی چون پایان جنگ ایران و عراق و در سطح جهانی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و پایان جنگ سرد رخ داد. در دهه هفتاد، با آغاز دوران سازندگی و سپس اصلاحات و کم‌فروغ شدن ایدئولوژی‌های مارکسیستی و چپ ارتدوکس، دیدگاه‌های چپ نو پا به عرصه ظهور گذاشتند. در اواخر این دهه بحث‌های انتقادی زیادی در خصوص رابطه دین و دولت، هرمنوتیک دین و... وجود داشت (جهانپنده، ۱۳۹۷: ۲۰).

در جامعه پسانقلابی شاهد گذار از جامعه انقلابی به جامعه مصرفی هستیم (کاظمی، ۱۳۹۸: ۱۴۱). با افزایش و تنوع اتومبیل، فراغتی‌شدن جامعه، توسعه فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه و چرخش به سمت بدن گسترش یافت و مفهوم مصرف به اسباب تشخیص و تمایز در جامعه تبدیل شد و به تدریج طبقه متوسط جدید در ایران تقویت، جامعه فردگراتر و متکثرتر شد. مفهوم سبک زندگی که ماکس وبر یکی از بانیان اصلی آن است به کانون مطالعات علوم انسانی و اجتماعی بدل

1 The city

شد. بنابراین، سوژگی اشخاص و اشیاء و به موازات آن، تغییرات اجتماعی و فرهنگی نیز به تشدید التفات گفتمانی ماکس وبر منجر و به نفع آرای او تمام شد.

علاوه بر این، در این دوران سوال اساسی که در گفتمان قدرت وجود داشت، مبنی بر این بود که آیا دین موجب توسعه می‌شود یا خیر؟ این سوال معطوف به قدرت مورد توجه متفکران و پژوهشگران ایرانی قرار گرفت و در مجله‌ها و روزنامه‌های وقت انعکاس جدی پیدا کرد. بی‌سبب نیست که در دهه هفتاد و سال ۱۳۷۱ چهارمین کتاب وبر تحت عنوان «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» توسط عبدالمعبود انصاری ترجمه و از سوی انتشارات سمت منتشر و در سال‌های بعد تجدید چاپ شد. این کتاب پس از ۸۶ سال از انتشار آن به زبان آلمانی و سپس ترجمه انگلیسی آن توسط تالکوت پارسونز به زبان فارسی برگردان شد. همچنین کتاب مزبور هرچند به لحاظ ترجمه مورد نقد برخی پژوهشگران ایرانی قرار گرفت، اما میل و سوژه گفتمانی سایر مترجمان قرار گرفت و دو سال بعد مجدداً در سال ۱۳۷۳ با همین عنوان «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» توسط عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی ترجمه و توسط نشر مرکز به چاپ رسید.^۱ در دهه هشتاد، در سال ۱۳۸۸، همین کتاب مجدداً توسط مرتضی ثاقب‌فر، ترجمه و توسط نشر جامی به چاپ رسید. در این کتاب وبر نشان می‌دهد که بین دین و توسعه رابطه مثبت وجود دارد. در سال ۱۳۷۴ کتاب بخشی از «اقتصاد و جامعه»^۲ ماکس وبر توسط عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده ترجمه شد و انتشارات مولی کار نشرش را به عهده گرفت. این کتاب دو سال پس از مرگ ماکس وبر توسط همسرش انتشار یافته بود و

۲ نکته مهم اینکه این کتاب به آلمانی (Die protestantische Ethik und der Geist des Kapitalismus) و به انگلیسی (The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism) است. برخی آن را «اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری» ترجمه کرده‌اند از قبیل اشرف (۱۳۴۶)، شیخوندی (۱۳۸۳) و عده‌ای هم «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» از قبیل آرون (۱۳۶۳) ترجمه باقر پرهام، فروند (۱۳۶۳) ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، کوزر (۱۳۶۸) ترجمه محسن ثلاثی، وبر (۱۳۷۱) ترجمه عبدالمعبود انصاری، کنوبلاخ (۱۳۹۰) ترجمه کرامت ... راسخ. در ضمن کتاب مزبور را آشتیانی (۱۳۸۳) «اخلاق علمی پروتستانی و روح سرمایه‌داری جدید» برگردان نموده است. شیخوندی بر این باور است که گرچه اصطلاح GEIST آلمانی، SPRIT انگلیسی و ESPRIT فرانسه در اصل به معنای روح است ولی در بسیاری موارد به معنای «روحیه» نیز به کار می‌رود (شیخوندی، ۱۳۷۰: ۲۴۷). به نظر می‌رسد این مفهوم وجه اسطوره‌ای دارد و در مراسم مذهبی جوامع ابتدایی به شکل «مانا» یا ارواح در آمده است که در اشیاء و اشخاص حلول می‌نماید ولی بعدها در جوامع مدرن به شکل استعاره‌ی در قالب «روحیه» و «منش» ... توسط متفکران اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است.

2 Economy and society

ترجمه فارسی اشاره شده از آن ده سال بعد در سال ۱۳۸۴ مجدداً توسط نشر سمت چاپ شد. پیش از این نیز همانگونه که پیش تر اشاره شد بخشی از کتاب با عنوان «مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی» در سال ۱۳۶۷ توسط احمد صدارتی ترجمه و از طریق نشر مرکز به چاپ رسیده بود. سایر کتاب‌ها در قالب ترجمه و تألیف در دهه هفتاد عبارتند از: «عقلانیت و آزادی: مقالاتی از ماکس وبر و درباره ماکس وبر» (۱۳۷۷) تألیف و ترجمه یدالله موفن و احمد تدین، کتاب برایان ترنر (۱۳۷۹) به نام «ماکس وبر و اسلام: بررسی انتقادی» ترجمه سعید وصالی (این کتاب در سال ۱۳۸۸، تحت عنوان «وبر و اسلام» با پانوشتهای انتقادی و مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ماکس وبر» توسط جمعی از مترجمان: حسین بستان، عبدالرضا علیزاده و علی سلیمی به فارسی ترجمه شد). در واقع می‌توان گفت که تألیف و ترجمه آثار وبر در ایران به شکل ارگانیک و در شبکه‌ای از اتفاقات و رخدادها گره خورده است.

بدین ترتیب، در دهه هفتاد نه تنها کتاب‌های ماکس وبر در حوزه دین ترجمه شدند بلکه کتاب‌های زیادی در مورد دین، پدیدارشناسی دین، فلسفه دین و دین‌شناسی تطبیقی و... به چاپ رسیدند. همچنین بحث‌های «قبض و بسط تئوریک شریعت» عبدالکریم سروش و هرمنوتیک دین سایر روشنفکران دینی در ایران اتفاق افتاد. بخش زیادی از بحث‌های مزبور در مجله روشنفکری دینی کیان مطرح می‌شد که عبدالکریم سروش نویسنده ثابت آن مجله بود و نویسندگانی چون محمد مجتهد شبستری، سعید حجابیان، محسن کدیور، بهاء‌الدین خرمشاهی، اکبر گنجی، سیدحسن حسینی، محمدجواد کاشی، مراد فرهادپور، مرتضی مردیها، علیرضا علوی‌تبار، حسینعلی آزادی و آرش نراقی در این مجله فعالیت می‌کردند. البته مجلات دیگری همانند «ایران فردا»، «آدینه» و... نیز در بسط و توسعه گفتمان روشنفکری سهم بسزایی داشتند. باز در همین دوره گفتگو درخصوص جامعه مدنی، سکولاریسم و گفت وگویی تمدن‌ها رخ داده بود. بسیاری از موضوع‌های این پژوهشگران نه تنها گسست گفتمانی دهه هفتاد را بازنمایی نمی‌کند بلکه حکایت از میل گفتمانی دارد.

در دهه هشتاد ماکس وبر و آثارش بیشتر مورد توجه دانش پژوهان ایرانی قرار گرفت. در این دوره جدال بین روش‌های کمی و کیفی درگرفته بود به موازات این بحث‌ها و گفتمان روش‌شناختی در سال ۱۳۸۲ کتاب «روش‌شناسی علوم اجتماعی»^۱ ماکس وبر توسط حسن چاوشیان به فارسی ترجمه و توسط نشر مرکز به چاپ رسید. در این کتاب نویسنده کوشش کرده تا دانش

1 The methodology of the social sciences

جامعه‌شناسی را در جهت فهم تفسیری کنش‌های انسانی که دارای معانی ذهنی است روایت و بازنمایی کند. در دهه هشتاد برخی نارسایی‌ها و نواقص روش کمی و پوزیتیویستی در نهادهای علمی آشکار شد و برخی رخدادها در ایران اتفاق افتاد. برای مثال هزاران نفر از پرسنل وزارت آموزش و پرورش، اعم از کادر اجرایی و معلمان در معرض آموزش اقدام‌پژوهی به‌مثابه یکی از روش‌های تحقیق کیفی قرار گرفتند. دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز در سطوح ارشد و دکتری در پایان نامه‌های دانشجویی چرخش به سوی روش‌ها و استراتژی‌های کیفی پیدا کردند. بسیاری از اعضای هیئت علمی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه که به روش‌های کمی عادت کرده بودند به تدریج ناگزیر شدند خود را با ذایقه دانشجویان تطبیق دهند. نکته مهم این که در دو دهه هفتاد و هشتاد شمسی «هرمنوتیک مهم‌ترین نظریه در علوم انسانی ایران بود، بنابراین اندیشه وبر با هرمنوتیک ترکیب شد. در جامعه ایران در این دوره میل به پلورالیسم رواج پیدا کرد. نویسندگان و مترجمانی ظهور کردند که آشکار و نهان از پلورالیسم دینی دفاع می‌کردند» (جهان‌دیده، ۱۴۰۳). بنابراین، در این دهه مطلقیت برخی گفتمان‌ها به چالش کشیده شد. «در دهه هفتاد نظریه هرمنوتیک وارد ایران شد. بابک احمدی جزو اولین کسانی بود که از تاریخ هرمنوتیک در غرب گفت و نام کتابش را «ساختار و تاویل متن» گذاشت» (همان). در همین دوره بود که بحث‌ها و تقابل‌های دوتایی بین فلسفه تحلیلی و فلسفه قاره‌ای یا به سخن دیگر پوپری‌ها و هایدگری‌ها در گرفته بود که عبدالکریم سروش نماینده فکری نخست بود که بر آرای کارل پوپر انگلیسی تأکید داشت و رضا داوری اردکانی چهره شاخص اندیشه دوم بود که بر پارادایم فکری مارتین هایدگر اصرار می‌ورزید. در تدارم فرایند ترجمه، در دهه هشتاد و در سال (۱۳۸۲) کتاب «دین، قدرت و جامعه»^۱ توسط احمد تدین ترجمه و از سوی انتشارات هرمس منتشر شد. در این دهه مهم‌ترین آثار در خصوص ماکس وبر عبارتند از: کتاب «سیمای فکری ماکس وبر» از راینهارد بندیکس (۱۳۸۲) ترجمه محمود رامبد؛ کتاب «جامعه‌شناسی تجدید ماکس وبر» بصورت تألیف و ترجمه از دکتر داور شیخاوندی؛ و کتاب «سیاست و جامعه‌شناسی در اندیشه ماکس وبر» از جامعه‌شناس معروف انگلیسی آنتونی گیدنز (۱۳۸۳) به ترجمه مجید محمدی (این کتاب در سال ۱۳۹۷، توسط فائزه ضیایی مجدداً ترجمه شد). اغلب موضوعات کتاب‌های اشاره شده بر محورهایی چون «عقلانیت و مدرنیته» و «دین و سیاست» متمرکز هستند. علاوه بر این، کتاب «ماکس وبر و جامعه‌شناسی شناخت» ترجمه منوچهر

1 From max weber. Essays in sociology

آشتیانی (۱۳۸۳)؛ کتاب «سیمای فکری ماکس وبر» از هانس نوربرت فوگن (۱۳۸۵) به ترجمه محمود رامبد؛ کتاب «ماکس وبر و کارل مارکس» از کارل لویت (۱۳۸۵) به ترجمه شهناز مسمی‌پرست؛ کتاب «ماکس وبر و نظریه پست‌مدرن: جدال عقل و افسون» از نیکلاس گین (۱۳۸۹) ترجمه محمود مقدس؛ و سرانجام کتاب «ماکس وبر» از فرانک پارکین (۱۳۸۹) ترجمه شهناز مسمی‌پرست در همین برهه زمانی به زبان فارسی چاپ و منتشر شدند.

ده سال بعد از ترجمه نخستین کتاب از بین آثار وبر به زبان فارسی، در سال ۱۳۹۳ کتاب «سوسیالیسم»^۱ وی توسط حسام حسین‌زاده ترجمه شد و کار نشرش را کتاب فردا به عهده گرفت. این کتاب به شکل گفتمانی در پاسخ به گفتمان سوسیالیستی ابتدا در سال ۱۹۱۸ در قالب سخنرانی در یگان افسری ارتش پادشاهی اتریش بود که پس از انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه و ترس از وقوع انقلاب‌های سوسیالیستی در دیگر کشورها بویژه اروپا ایراد شد و بعدها بسط و گسترش یافت و به صورت کتاب درآمد. سه سال بعد در سال ۱۳۹۶ کتاب دیگری از ماکس وبر که صبغه زیباشناختی دارد تحت‌عنوان «بنیان‌های عقلانی و اجتماعی موسیقی»^۲ توسط حسن خیاطی ترجمه شد و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی آن را به چاپ رساند. و همچنین در سال (۱۳۹۶) کتاب «جامعه‌شناسی دین»^۳ ماکس وبر توسط محسن ثلاثی ترجمه و نشر ثالث منتشر کرد.

به این ترتیب، در دهه نود ترجمه آثار و چاپ کتاب‌ها پیرامون ماکس وبر تشدید شد. برخی دیگر از این آثار عبارتند از: «جامعه‌شناسی روشنفکران ماکس وبر» احمد صدری (۱۳۹۰) به ترجمه حسن آبنیکی؛ «جامعه‌شناسی ماکس وبر» تألیف عباس محمدی‌اصل؛ «ماکس وبر و نظریه سیاست مدرن» دیوید بیتهم (۱۳۹۲) به ترجمه هادی نوری؛ کتاب «ماکس وبر، درآمدی انتقادی» از آلن کیرن (۱۳۹۲) ترجمه ابوالفضل ذوالفقاری؛ کتاب «درس‌گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی امیل دورکیم و ماکس وبر» از تقی آزاد ارمکی (۱۳۹۳)؛ کتاب «مرزهای عقلانیت؛ رساله‌ای درباره اندیشه اجتماعی و اخلاقی ماکس وبر» از راجرز بروویکر (۱۳۹۵) ترجمه شهناز مسمی‌پرست؛ کتاب «ماکس وبر: از تاریخ تا مدرنیته» از برایان اس. ترنر (۱۳۹۶) ترجمه زهرا عبدی؛ کتاب «جامعه‌شناسی تاریخی-تطبیقی دین ماکس وبر» گردآوری و ترجمه علی راغب (۱۳۹۶)؛ کتاب «ماکس وبر و جامعه‌شناسی اقتصادی» از ریچارد سوندربرک (۱۳۹۷) ترجمه

1 Socialism

2 The rational and foundations of music

3 The sociology of religion

شهین احمدی؛ کتاب «پیشگام پساتجربه‌گرایی» توبی. ای. هاف (۱۳۹۹) ترجمه ابوالفضل خیرخواه. کتاب «قفس پولادین ماکس وبر و مارکسیسم وبری» از مایکل لوی (۱۳۹۹) به ترجمه ناصر کفایی؛ و سرانجام کتاب «دستگاه نظری ماکس وبر» توسط حسین ابوالحسن تنهایی.

از دهه ۱۳۷۰ به بعد کتاب‌های نظریه‌های جامعه‌شناسی زیادی در ایران ترجمه و تألیف شدند که بخشی از مطالب این کتاب‌ها به ماکس وبر اختصاص دارند. برخی از این آثار عبارتند از: آزادارمکی، تقی (۱۴۰۰) نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ فولادیان، مجید (۱۳۹۹) جامعه‌شناسی کاربزمای ملی؛ برت، پاتریک (۱۳۹۷) فلسفه علوم اجتماعی؛ لالمان، میشل (۱۳۹۴) تاریخ اندیشه‌های جامعه‌شناسی؛ الیوت، آنتونی و ترنر، برایان (۱۳۹۳) برداشت‌هایی در نظریه اجتماعی معاصر؛ زیتلین، ایروینگ ام و همکاران (۱۳۹۰) آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی؛ ریتزر، جرج (۱۳۹۰) مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن؛ تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۰) درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ ترنر، جانانان اچ و بیگلی، ال (۱۳۸۴) پیدایش نظریه جامعه‌شناختی؛ کرایب، یان (۱۳۸۲) نظریه‌های جامعه‌شناسی کلاسیک؛ بودن، ریمون (۱۳۸۳) مطالعاتی در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک؛ دیلینی، تیم (۱۳۸۷) نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی؛ محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸) نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ سیدمن، استیون (۱۳۸۶) کشاکش آرا در جامعه‌شناسی؛ علیزاده، عبدالرضا و همکاران (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی معرفت؛ کالینیکوس، آکس (۱۳۸۳) درآمدی تاریخی بر نظریه‌های اجتماعی؛ توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی (ویژه پیام نور) که در همه این آثار بحث‌هایی در باره ماکس وبر نیز مطرح شده است.

به رغم ترجمه و تألیف منابع اشاره شده برخی از آثار وبر هنوز به فارسی ترجمه نشده است که شماری از آن‌ها نیز پس از مرگ وی به چاپ رسیده است. این آثار عبارتند از: نظریه سازمان اقتصادی و اجتماعی (۱۹۲۰)؛ تاریخ جامع اقتصادی (۱۹۱۲)؛ جامعه‌شناسی کشاورزی تمدن‌های باستانی (۲۰۱۳)؛ مسائل عقلانی اقتصاد تاریخی (۱۹۷۵)؛ کتاب سه‌جلدی مجموعه مقالات در حوزه دین (۱۹۲۲)؛ یهودیت باستان (۱۹۶۷)؛ دین در هندوستان (۲۰۰۰)؛ دین در چین (۱۹۶۸)؛ فرهنگ‌مندی و نهادسازی (۱۹۶۸)؛ نوشته‌های سیاسی (۱۹۹۴)؛ تفسیر واقعیت اجتماعی (۱۹۷۵)؛ و مقالاتی در باب هنر (۲۰۱۷).

نتیجه‌گیری

پرسش بنیادین مقاله آن بود که ماکس وبر در ایران در دوره‌های تاریخی مختلف توسط گروه‌های فکری متفاوت چگونه فهم و برساخت شده است؟ فهم هر پدیده به شکلی زمانمند و مکانمند، تابع شرایط اجتماعی و تاریخی هر دوره است. فهم ماکس وبر در ایران نیز گفتمانی و معطوف به قدرت است و در بین نیروهای مختلف در جامعه به شکل‌های متفاوت بازنمایی شده است. در دوره اول و تا دههٔ چهل خورشیدی فهم پوزیتیویستی، مبتنی بر گزاره‌ها، استعاره‌ها و به‌طور کلی الگوی کنتی-دورکیمی در ایران غالب بود، ماکس وبر در وضعیت پیرامونی و حاشیه‌ای قرار داشت، اما از ابتدای ایجاد مؤسسه تحقیقات اجتماعی در دانشگاه تهران در کنار گفتمان پوزیتیویستی و چپ مارکسیستی، به تدریج نشراندیشهٔ وبری نیز در ایران آغاز شد. در دوره دوم و با تأسیس مؤسسه تحقیقات اجتماعی ایران به‌ویژه از دههٔ پنجاه جامعه‌شناسان ایرانی در ذیل کتاب‌های خویش مطالب اندکی به وبر اختصاص دادند و روشنفکران مذهبی نیز از مفاهیم اصلی وی در کتاب «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» در تقابل با گفتمان مارکسیستی در حوزهٔ دین استفاده کردند و با تقلید از ماکس وبر بر نیروی دین در تحولات اجتماعی تأکید گذاشتند. گفتمان مارکسیستی نیز سعی در مصادره دیدگاه‌های وبر داشت و اندیشهٔ وبر را در ذیل دیدگاه ماکس فهم و تفسیر می‌کردند. در دورهٔ سوم که مقارن با گفتمان سازندگی، پساانقلابی و اصلاحات در ایران است شاهد افول ایدئولوژی مارکسیستی و جنگ سرد در عرصهٔ بین‌المللی هستیم. در این دوره کتاب‌های زیادی درخصوص ماکس وبر در ایران ترجمه و تالیف شدند. گفتمان قدرت، مترجمان و روشنفکران در نقاب ماکس وبر به تحلیل نسبت بین دین و توسعه پرداختند. در دههٔ هشتاد برخی نارسایی‌ها و نواقص روش کمی و پوزیتیویستی در نهادهای علمی آشکار شد. گفتمان روش‌شناختی ماکس وبر تحت‌عنوان «تفهیمی-تبیینی» رواج بیشتری پیدا کرد و تحقیقات کیفی و فهم تفسیری کنش‌های انسانی که دارای معانی ذهنی است در کشور توسعه یافت.

پرسش دیگر مقاله آن بود که مفاهیم و آثار ماکس وبر در ایران چگونه ترجمه و تأویل شده‌اند؟ قبل از ترجمهٔ آثار وبر در ایران برخی مفاهیم و استعاره‌های وبری به ایران سفر کردند. در ادامه در دههٔ شصت و با ترجمه کتاب‌هایی از ماکس وبر و دربارهٔ ماکس وبر از قبیل ترجمهٔ کتاب «جامعه‌شناسی ماکس وبر» از ژولین فروند (۱۳۶۳) و «مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی» ماکس وبر (۱۳۶۷) محققان و مورخان ایرانی بیشتر از مفاهیم وبری از قبیل «کارزماتیک»،

«مشروعیت»، «عقلانیت»، «سلطه» و «اقتدار» در تحلیل‌های خود در ایران استفاده کردند. در دوره سوم آثار بیشتری از ماکس وبر در ایران ترجمه و تالیف شد. اندیشه‌های وی در ادامه رابطه بین دین و دولت و هرمنوتیک دین بود. آثار ماکس وبر جهت تکمیل پروژه توسعه دین و دولت بود. همچنین در ایران مفهوم «طبقه» از دهه هفتاد به بعد کم‌فروغ و استعاره «سبک زندگی»^۱ (که مفهومی وبری است) گسترش بیشتری پیدا کرد و با رسانه‌های شدن جامعه و گسترش فیس-بوک و اینستاگرام و رویت‌پذیر شدن آدم‌ها در صفحه‌های مجازی توجه به مفهوم سبک زندگی بیشتر و برمبنای آن التفات به ماکس وبر نیز افزایش یافت. اغلب محققان ایرانی به‌ویژه طی سال‌های اخیر با الهام از وبر ولی با نگاه نقادانه و با «حساسیت نظری»^۲ بیشتری از مفاهیم و نظریه‌های وی در تحلیل مسایل اجتماعی و فرهنگی ایران استفاده کرده‌اند که نتیجه و پیامد مستقیم ترجمه برخی از آثار او و طرح مباحث مربوط به ماکس وبر در کتاب‌های نظریه‌های جامعه‌شناسی منتشر شده به زبان فارسی است.

منابع

- آبراهام، جیو اچ (۱۳۶۳)، **مبانی و رشد جامعه‌شناسی**، ترجمه حسن پویان، تهران، آشنا.
- آرون، ریمون (۱۳۶۳)، **مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی**، ترجمه باقر پرهام، جلد دوم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ارشاد، فرهنگ (۱۳۹۸)، نگاه نقادانه بر جامعه‌شناسی تفسیری ماکس وبر و آموزه‌های آن برای پژوهش در جامعه‌شناسی تاریخی ایران. **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ۲۰ (۲) ۲۵-۴.
- اسماعیل‌نیا، محمود، کاظمی، عباس و صدیقی، بهرنگ (۱۳۹۸) موقعیت ناسازوار نخستین نهاد علوم اجتماعی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی از تأسیس تا انقلاب اسلامی، **مطالعات جامعه‌شناختی**، ۲۶ (۲) ۳۶-۹.
- اشرف، احمد (۱۳۹۳)، **نقد و نظری در علوم انسانی و اجتماعی**، مجموعه مقالات در مجله سخن (۱۳۴۶-۱۳۴۷)، تهران، نشر گستره.
- باتامور، تی بی (۱۳۵۷)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه سیدحسن منصور و سیدحسن حسینی کلجاهی تهران، جامعه و اقتصاد.

1 . Life style
2. Theoretical sensitivity

بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، **دیبچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، تهران، نگاه معاصر.
تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۸)، **سنخ آرمانی دیالکتیکی: حاشیه‌ای بر روش‌شناسی ماکس وبر و کاربرد آن**
در فهم مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، **دومین همایش سالیانه خوانش انتقادی**
جامعه‌شناسان کلاسیک و مسائل آن: ماکس وبر.

تنهایی، سید ابوالحسن (۱۳۹۸)، **نقد شارحین وبر از شرح اصطلاح سنخ آرمانی و گونه‌های سنخ آرمانی**، **مجله**
جامعه‌شناسی ایران، دوره ۲۰ (۲) ۶۵-۷۵.

تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۴)، **درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی**، گناباد، نشر مرنديز.
جمشیدپها، غلامرضا و نادی، زینب (۱۳۹۸)، **بررسی عقلانیت ارزش‌شناختی و چگونگی حصول آن در**
اندیشه ماکس وبر «تجزیه و تحلیل منطقه خاکستری». **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ۲۰ (۳)
۲۴-۵۸.

جهان‌دیده، سینا (۱۳۹۷)، **ترجمه آثار فروید و چرخش‌های گفتمان فرویدی در ایران**، **فصلنامه مترجم**،
۲۷ (۶۵). ۲۳-۱۳.

جهان‌دیده، سینا (۱۴۰۳)، **اندیشه‌های ماکس وبر و جامعه‌شناسی ایرانی**، گروه تلگرامی tabarshenasi
Ketab، اردیبهشت ۱۴۰۳.

حجاریان، سعید (۱۳۷۷)، **ساخت اقتدار سلطانی؛ آسیب‌پذیری‌ها، اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، ۹ (۹۲)-
۴۵: ۹۱.

حسینی فر، مریم السادات (۱۳۹۸)، **واکاوی عناصر دیالکتیکی بوروکراسی در نظریه وبر با نگاهی به جامعه**
ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، **دومین همایش سالیانه خوانش انتقادی جامعه‌شناسان**
کلاسیک و مسائل آن: ماکس وبر.

حسین‌زاده فرمی، مهدی (۱۳۹۸)، **خوانش ایرانی ماکس وبر**، انجمن جامعه‌شناسی ایران، **دومین همایش**
سالیانه خوانش انتقادی جامعه‌شناسان کلاسیک و مسائل آن: ماکس وبر.

ریکور، پل (۱۳۸۶)، **استعاره و ایجاد معانی جدید در زبان**، ترجمه حسین نقوی، معرفت، شماره
(۱۲۰): ۹۵-۸۱.

شجاعی‌زند، علیرضا و صنعتی شرقی، نادر (۱۳۸۳)، **بررسی انتقادی آراء و نظرات وبر درباره صدر اسلام**،
مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، مشهد، سال اول:
۵۷-۸۲.

شیخ‌وندی، داور (۱۳۷۰)، **نگرشی انتقادی به نظریه «سلطه کاریسمایی» ماکس وبر**، **فصلنامه علوم**
اجتماعی، شماره‌های ۱ و ۲، ۲۵۳-۲۳۵.

شیخاوندی، داور (۱۳۸۳)، **جامعه‌شناسی تجدد ماکس وبر**، تهران، نشر قطره.
شریعتی، علی (۱۳۸۸)، **تاریخ و شناخت ادیان**، مجموعه آثار ۱۴. شرکت سهامی انتشار.
شریعتی، علی (۱۳۹۰)، **انسان**، مجموعه آثار ۲۴. انتشارات الهام و بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی.
صادقی، رسول (۱۳۹۷) بررسی انتقادی کاربست نظریه اقتدار وبر در تحلیل انقلاب اسلامی، **فرهنگ و پژوهش ویژه علوم اجتماعی**، شماره ۳۶، ۸۹-۶۵.

صانعی، پرویز (۱۳۵۴)، **جامعه‌شناسی ارزشها**، تهران، نشر جار.
صمیم، رضا (۱۳۸۹)، درس‌های نظریه اقتدار وبر برای تحلیل مناسبات جمعی غیرارگانیک در اجتماع ایرانی، **مطالعات تاریخی-انتقادی**، انجمن جامعه‌شناسی ایران، **دومین همایش سالیانه خوانش انتقادی جامعه‌شناسان کلاسیک و مسائل آن: ماکس وبر**.

عظیمی، رضا (۱۳۹۸)، **جامعه‌شناسی تاریخی-تطبیقی ماکس وبر**، تئوری عام و برخی ملاحظات در مورد **گفتمان شرق شناسی در ایران**، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ۲۰ (۲) ۷۶-۹۹.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۸)، **مصرف نظریه‌ها در ایران**، مورد «وبر» و پروتستان‌تیسیم. انجمن جامعه‌شناسی ایران، **دومین همایش سالیانه خوانش انتقادی جامعه‌شناسان کلاسیک و مسائل آن: ماکس وبر**.

وبر.

فروند، ژولین (۱۳۶۳)، **جامعه‌شناسی ماکس وبر**، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا.
فولادیان، مجید (۱۳۹۸)، **صورت‌بندی جامعه‌شناختی تئوری کاریزمای وبر**. **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ۲۰ (۳) ۸۷-۵۹.

فولادیان، مجید و جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۵)، **مقایسه سلطه فرمندان و سلطه کاریزماتیک با اتکا به آراء وبر: ایضاح یک خلط مفهومی**، **فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، دوره ۸ (۳): ۸۸-۵۳.

فولادیان، مجید (۱۳۹۹)، **جامعه‌شناسی کاریزمای ملی**، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

کاظمی، عباس (۱۳۹۸)، **امر روزمره در جامعه پساانقلابی**، تهران، فرهنگ جاوید.

کوزر، لوییس (۱۳۶۸)، **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**، تهران، نشر علمی.

کینلاک، گراهام (۱۳۹۳)، **نظریه‌های جامعه‌شناختی (تکوین دیدگاه‌ها و پارادایم‌های اصلی آن)**، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و سید رحیم تیموری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

کرمی‌پور، حمید (۱۳۹۰)، **تأثیر ترجمه نظریه‌های ماکس وبر بر دیدگاه مورخان ایرانی**، **پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌ها علوم انسانی**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۱ (۱): ۳۷-۵۴.

کنیک، ساموئل (۱۳۴۴)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه مشفق همدانی، تهران، امیر کبیر.
محمودی مولایی کرمانی، بتول و همکاران (۱۳۹۸)، **شاخص‌های روش‌شناسی وبر در شناخت مسایل اجتماعی**

- ایران. **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ۲۰(۲) ۱۱۳-۱۰۰.
- مسعودی، سیداسماعیل، زاهد زاهدانی، سیدسعید(۱۳۹۶) تحلیل ابژکتیویته ماکس وبر در پرتو فلسفه استعلایی کانت، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ۱۸(۴) ۸۱-۵۳.
- مهدوی زادگان، داوود. (۱۳۷۷)، **اسلام و نقد سنت وبری**، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- مهدوی، یحیی (۱۳۲۲)، **جامعه‌شناسی یا علم الاجتماع**، تهران، نشر رنگین.
- میری، سید جواد (۱۳۹۸)، نگاهی غیریوروسترک به کلاسیک‌های جامعه‌شناختی: بازخوانی قرائت شریعتی از ماکس وبر، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ۲۰(۲) ۱۱۴-۱۲۴.
- میرزایی، جمشید (۱۳۹۸) **سنخ آرمانی ماکس وبر ابزاری تحلیلی برای گونه‌شناسی مناسک سوگواری‌های عاشورا**، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، ۲۰(۳): ۱۱۸-۸۸.
- وبر، ماکس وبر (۱۳۷۱)، **اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری**، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران، نشر سمت.
- وبر، ماکس وبر (۱۳۸۵)، **اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری**، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- وبر، ماکس وبر (۱۳۶۷)، **مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی**، ترجمه احمد صدارتی، تهران، نشر مرکز.
- وبر، ماکس وبر (۱۳۸۲)، **روش‌شناسی علوم اجتماعی**، ترجمه حسن چاوشیان، نشر مرکز.
- نجاتی حسینی، سیدمحمود (۱۳۹۸)، **سنت جامعه‌شناسی دین ماکس وبری و سبک زیست جهان دین‌ورزی ایرانی-اسلامی**. انجمن جامعه‌شناسی ایران، **دومین همایش سالیانه خوانش انتقادی جامعه‌شناسان کلاسیک و مسائل آن: ماکس وبر**.
- نراقی، احسان (۱۳۴۷)، **علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن**، تهران، پارس.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۶۸)، **مقدمه‌ای بر کتاب دانشمند و سیاستمدار**، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.